

## استخراج ساختار سلسله مراتبی عوامل مؤثر در نظام مدیریت مراتع ایران

سیده زهره میردیلیمی<sup>۱\*</sup>، عادل سپهری<sup>۲</sup> و حسین بارانی<sup>۳</sup>

\*۱- نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری علوم مرتع، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ایران.

پست الکترونیک: Zohremirdeilami@gmail.com تلفن تماس: ۰۹۳۳۵۲۵۵۹۱

۲- استاد، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ایران

۳- دانشیار، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ایران

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۲۵

### چکیده

مسائل و مشکلات مراتع ایران متعدّدند و ارائه راه حل برای آنها جز از طریق بررسی همه جانبه شرایط امکان پذیر نیست. هدف از این مطالعه، استخراج ساختار مدیریت مراتع ایران است. ابزار انجام مطالعه، پرسشنامه و مصاحبه به صورت چند مرحله ایست. این مطالعه در سه مرحله اکتشافی، ارزیابی، تجزیه و تحلیل و استخراج ساختار نهایی انجام شده است. در مرحله اکتشافی، به صورت هدف دار با نظرسنجی از خبرگان بخش های آموزش، تحقیقات، دستگاه اجرایی و بهره برداران عرصه های مرتعی جایگاه مکانی اجزاء مختلف ساختار مدیریت مراتع ایران مشخص شد. در این مرحله ساختار اولیه سلسله مراتبی عوامل مؤثر بر مدیریت مراتع طراحی شد (بخش پنل). در مرحله ارزیابی با استفاده از پرسشنامه، ساختار حاصل در معرض قضاوت جوامع پاسخگو قرار گرفت. در مرحله نهایی با استفاده از آنالیزهای آماری داده ها، ساختار نهایی سلسله مراتبی استخراج و طراحی شد. صحت و دقت الگوی حاصل با استفاده از شاخص های پایایی/آلفای کرونباخ ( $\alpha=0/86$ ) و روایی (پنل متخصصان) مورد ارزیابی قرار گرفت. در این مطالعه از نرم افزارهای آماری SPSS 18 و STATISTICA استفاده شد. نتایج نشان داد که نظام مرتع داری ایران مرکب از سه سطح به صورت سلسله مراتبی است. در سطح اول، عرصه مرتعی، نظام آموزش و تحقیقات، نظام اجرایی و نظام بهره برداری قرار دارد. هر یک از اجزاء در سطح اول به اجزاء زیرمجموعه خود در سطوح پائین تر تقسیم بندی شدند. این ساختار به صورت واضح تر و دقیق تری مشکلات را دسته بندی، قابل فهم تر و قابل مدیریت تر می کند. بدین طریق می توان اقدامات با قابلیت مدیریتی و راهبردی تر را در هر سطح و جزء معطوف داشت.

واژه های کلیدی: اکتشافی، پنل متخصصان، ساختار، آلفای کرونباخ.

### مقدمه

با نگاهی به روند تغییرات مدیریت مراتع، می توان نقطه ی عطف مدیریت مراتع را ملی شدن مراتع دانست (بصیری، ۱۳۹۰). با تصویب این قانون نظام جدیدی در مدیریت و بهره برداری از مراتع ایجاد شد (معین الدین و علیزاده، ۱۳۷۸). با ملی شدن مراتع از سوی نهادهای دولتی؛ قوانین،

برنامه ها و اقدامات (مانند ممیزی مراتع، طرح های مرتع داری و اسکان عشایر) و سیاست هایی مانند برنامه های پنج ساله توسعه اول تا پنجم (بخشی جهومی، ۱۳۸۵) تدوین و اجرا شد. برای اجرای هر اقدام راهکاری، بودجه و اعتبارات در نظر گرفته شد. مراکز آموزشی، تحقیقاتی و ترویجی تأسیس شدند. بهره برداران نیز بر اساس عرف و رسوم خود و

"شاخص‌های اجتماعی، مدیریتی و ترویجی"، "میزان سرمایه‌گذاری اصلاحی و تأثیر آن در اصلاح مراتع"، "تعداد دام در مراتع و بخش خارج و تغییرات آن"، "عرضه و تقاضا و قیمت علوفه" و "بخش عرضه و تقاضا و قیمت گوشت قرمز" تقسیم شد.

تاکنون مطالعات انجام شده در مراتع به صورت موردی و نه جامع انجام شده است. محققان در زمینه‌های عرصه‌ی مرتعی (خلیلیان، ۱۳۷۵؛ Ahmady, 2003؛ Mahdavi et al., 2003؛ Kardavani, 2005؛ Arzani et al., 2007؛ Ansari et al., 2008؛ Padiab et al., 2009؛ Ansari and Seiyed Akhlaghi, 2009؛ Behmanesh et al., 2013)، موضوعات اجتماعی بهره‌برداران مراتع (Ansari, 1992؛ Arzani et al., 2005؛ Khalighi et al., 2006؛ بدری‌پور، ۱۳۸۸؛ Amir et al., 2009؛ Azkia et al., 2010؛ Maleki et al., 2008؛ Imani, 2011؛ and شریفی‌نیا و مهدوی حاجیلویی، ۱۳۹۰)، قوانین و مقررات (Ghaemi, 2001؛ Heidar Mehrabi, 2004؛ شامخی و میرمحمدی، ۱۳۹۲)، مسائل اقتصادی مرتبط با بهره‌برداران (Bazhian, 2007؛ Sharifinia and Mahdavi, 2011؛ Heydari et al., 2011؛ Shahraki & Barani, 2012) و آموزشی و تحقیقاتی (نامجویان و محمدخانی، ۱۳۹۰) مطالعه کرده‌اند.

با توجه به بررسی منابع انجام شده، بیش از ۱۰۰ مشکل در مرتع وجود دارد که به جوانب مختلف مراتع اعم از اجرا، مدیریت، تحقیقات، آموزش، بهره‌برداری و غیره برمی‌گردد. این مشکلات تحت عنوان‌های مختلفی قابل دسته‌بندی ساختاری هستند. در این تحقیق برای رسیدن به اهداف با توجه به مشکلات مراتع و دسته‌بندی ساختاری موجود به صورت جامع، نظام مرتع‌داری ایران تدوین شده است. از طرفی با بررسی منابع مطالعاتی می‌توان به این نتیجه رسید که اغلب تحقیقات به صورت تک بعدی یک مشکل را شناسایی و برای ارائه‌ی راهکار، مطالعات جزئی انجام داده‌اند. این مطالعه در سطح کلان با هدف ارائه‌ی راه حل و راهبرد برای موفقیت در مدیریت انجام می‌شود. امید است

همچنین در قالب پروانه چرا و یا طرح مرتع‌داری از مراتع بهره‌برداری می‌کنند (مهرابی، ۱۳۶۹). نظام مرتع‌داری ایران تعریف شده است. نظام مرتع‌داری ایران عمدتاً مرکب از بخش‌های عرصه‌ی مرتعی، دانشگاهی، تحقیقاتی، اجرایی، بهره‌بردار و سازمان‌های تعاونی، خصوصی و مردم نهاد است. هریک از این بخش‌ها، خود مرکب از زیرمجموعه‌هایی هستند. بخش‌ها و زیرمجموعه‌های نظام مرتع‌داری که به صورت سلسله‌مراتبی در چند سطح هستند، به عنوان اجزاء نظام مرتع‌داری شناخته می‌شوند. بنابراین می‌توان این مجموعه را نظام مرتع‌داری ایران نامید. بیش از گذشت ۵۰ سال از ملی شدن مراتع، ضمن صرف هزینه و زمان و امکانات هنوز بین صاحب‌نظران، متخصصان، محققان و کارشناسان صحبت از این است که "مسائل و مشکلات مراتع ایران چیست و چه راه‌حلی می‌توان برای آن ارائه کرد؟ ممکن است در وضعیت نامناسب کنونی مراتع و نظام مرتع‌داری، سهم و اهمیت بخش‌های مختلف نظام مرتع‌داری متفاوت باشد. این موضوع کلیدی و حائز اهمیت است که بیشتر متوجه مدیران و برنامه‌ریزان در سطح کلان است. در این رساله برای رسیدن به پاسخ سئوالات و رفع ابهام موجود، شناسایی و تعریف اجزاء نظام مرتع‌داری ایران، هدف انجام تحقیق است که با نظرسنجی و مصاحبه انجام شده است.

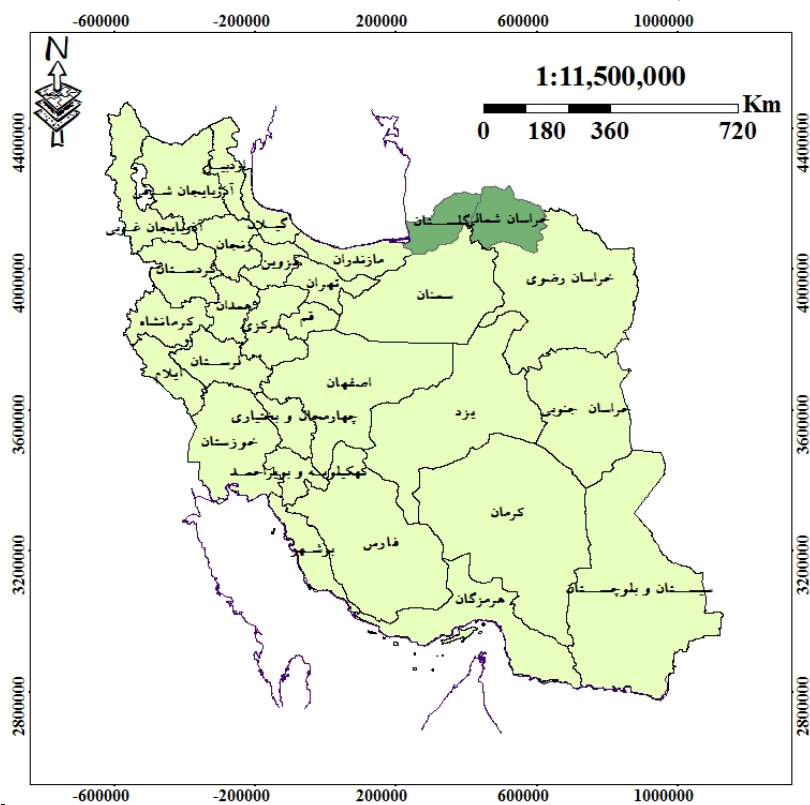
برای مدیریت مراتع، دید همه جانبه مهم است (سعدالدین، ۱۳۹۱). باید دانست، نظام مرتع‌داری ایران از چه اجزایی تشکیل شده است؟ با آگاهی از مسائل و مشکلات در هر جزء و بررسی جامع هریک از آنها می‌توان راه حل مناسب ارائه کرد. در این تحقیق، اجزاء نظام مرتع‌داری ایران با دیدگاهی جامع شناسایی می‌شود. محققان مختلفی اجزاء و عوامل مؤثر بر مدیریت منابع طبیعی را در قالب مدل و ساختار بررسی کردند. از جمله در مدلی که ارزانی (۱۳۹۰) معرفی کرد به ابعاد بوم‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی اشاره داشت. در طرح مدل پویای مرتع (محبی و همکاران، ۱۳۸۴) ساختمان مدل دینامیک مراتع به شش زیر بخش کلی از جمله "وسعت مراتع و تبدیل انواع مراتع به یکدیگر"،

خراسان، فارس و ترکمن)، روش‌های مختلف بهره‌برداری (مشاعی و افرازی، بهره‌برداری روستایی، عشایری کوچرو و نیمه کوچرو) و فصل بهره‌برداری (مراتع ییلاقی، قشلاقی و میان‌بند) برخوردارند (دفتر امور مراتع، ۱۳۹۳). منطقه‌ی مورد مطالعه از لحاظ شرایط رویشگاهی، پستی و بلندی و اقلیمی تنوع زیادی دارد (برنامه آمایش استان گلستان، ۱۳۹۰). به گونه‌ای که دارای مراتع کوهسری، تپه‌ماهوری، مشجر، دامنه‌ای، دشتی و ساحلی است. استان‌های گلستان و خراسان شمالی به‌عنوان نمونه‌ای از کل (در سطح ملی)، به خوبی با مسائل و مشکلات موجود در سطح ملی مواجه بوده و می‌تواند به‌عنوان نمونه از لحاظ بررسی اجزاء مؤثر در مدیریت مراتع و تعمیم آن به کل، مناسب باشد.

نتیجه‌ی آن برای دفتر فنی مرتع و سازمان جنگلها و مراتع برای روشن‌بینی بیشتر نسبت به اجزاء نظام مرتع‌داری (مدیران و برنامه‌نویسان در ارائه‌ی راهبرد) قابل استفاده بوده و همه دست‌اندرکاران منابع طبیعی از جمله مدیران، کارشناسان اجرایی، محققان و استادان دانشگاه تصویر واضح‌تری از نظام مرتع‌داری پیدا کنند.

## مواد و روش‌ها

معرفی منطقه: این مطالعه در سطح استان گلستان و خراسان شمالی انجام شده است (شکل ۱). استان‌های گلستان و خراسان شمالی به دلیل دسترسی و قابلیت مدیریت تحقیق در بعد زمان و مکان دارای اهمیت هستند. این دو استان از تنوع قومیتی (اقوام مختلف کرد شمال



شکل ۱- موقعیت استان گلستان و خراسان شمالی در ایران

انجام شد. در مرحله‌ی اکتشافی؛ برای شناسایی اجزاء مؤثر در مدیریت مرتع، با رویکرد تحلیل محتوا از لحاظ ساختار، عملکرد و روابط بین نهادهای مرتبط با مدیریت مراتع،

جمع‌آوری داده: ابزار اصلی برای جمع‌آوری داده، پرسشنامه و مصاحبه است. این مطالعه در سه مرحله‌ی اکتشافی، ارزیابی و تجزیه و تحلیل و استخراج ساختار نهایی

اولیه‌ی سلسله مراتبی عوامل مؤثر طراحی شد. در مرحله‌ی ارزیابی با نظرسنجی و به‌صورت رفت و برگشتی، ساختار حاصل در معرض قضاوت جوامع پاسخگو قرار گرفت.

مصاحبه و به‌صورت باز انجام شد (جدول ۱). در این مرحله از افراد درخواست شد، عوامل مؤثر (واحد تحلیل) و جایگاه مکانی آنها شناسایی شود. اجزاء کددهی شدند و ساختار

جدول ۱- نمونه‌ای از جدول جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوا

ردیف	معیار	طبقه	واحد تحلیل/عوامل مؤثر
۱	ساختار	سازمانی، تشکیلاتی و ...	شناسایی واحد تحلیل و اختصاص کد به هریک
۲	عملکرد	مدیریتی، اجرایی، فنی و ...	شناسایی واحد تحلیل و اختصاص کد به هریک
۳	رابطه	روابط بین نهادها و ...	شناسایی واحد تحلیل و اختصاص کد به هریک

مرحله‌ی نهایی - تجزیه و تحلیل و استخراج ساختار نهایی: ابتدا ۳۶ پرسشنامه به طور مقدماتی بین افراد نمونه توزیع شد. اعتبار (Validity) (روایی) پرسش‌ها از روش معتبرسازی محتوا و با مراجعه مکرر به کارشناسان، متخصصان و استادان مورد تأیید قرار گرفته است (بخش پیل). پایایی (Reliability) (قابلیت اعتماد) پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS 18 تعیین شد ( $\alpha=0.86$ ). مقدار این ضریب نشان می‌دهد که گویه‌ها هم‌مسیر بوده و از هماهنگی و انسجام درونی بالایی برخوردار هستند. برای تعیین ساختار مدیریت مراتع، با توجه به تعلق هریک از اجزاء در سطوح مختلف، از آنالیز تطبیقی قوس‌گیری شده در نرم‌افزار STATISTICA استفاده شد.

انتخاب افراد پاسخگو: برای شناسایی عوامل مؤثر در مدیریت مراتع از تحلیل دست‌اندرکاران (Stakeholder analysis) استفاده شد (Grimble & Chan, 1995). دست‌اندرکاران یک فرد یا گروهی است که می‌تواند در موفقیت و یا شکست پروژه که در آن نقش دارند، تأثیر بگذارد و یا تأثیر پذیرد (Nuseibeh & Easterbrook., 2000). در این تحقیق، افراد ذینفع یا ذی‌مدخل، افرادی هستند که به‌نوعی در اجزاء نظام مرتع‌داری دخالت دارند و با مرتع و عوامل مؤثر بر آن آشنایی کامل دارند. دست‌اندرکاران با رویکرد شهرت و روش‌های نمونه‌گیری هدفمند از جمله روش‌های موارد ویژه (Critical Case

Sampling Snowball) و گلوله برفی (Sampling Snowball) انتخاب شدند (Holloway & Wheeler, 2010). در رویکرد شهرت، از افراد دارای نقش ویژه و آگاه درخواست شد تا در تحلیل دست‌اندرکاران شرکت کنند. این رویکرد شامل استفاده از افراد ممتاز در فرایندهای تصمیم‌گیری است. افراد ممتاز در سازمان‌ها؛ مدیران تصمیم‌گیرنده و در جوامع محلی؛ بزرگان یا به اصطلاح ریش‌سفیدان محلی هستند (Abdusalam & Noguchi, 2006). در نمونه‌گیری به روش گلوله برفی به‌منظور آشنایی با افراد خبره و آگاه کلیدی (key informant) به اداره‌ی کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان، بخش مرتع مراجعه شد. تعدادی از خبرگان محلی توسط این اداره معرفی شدند. با مراجعه به این افراد، هریک چند مطلع دیگر را معرفی کردند. برای انتخاب بهره‌برداران از معیارهایی مانند سابقه‌ی کار، تجربه‌ی صحرایی و سطح سواد استفاده شد. افرادی که معیارهای مورد نظر را داشتند و بیشترین مراجعه به آنها شده بود، به‌عنوان اعضای نمونه انتخاب شدند. به این روش، نمونه‌گیری موارد ویژه اطلاق می‌شود. نمونه‌گیری از موارد فوق‌العاده‌ای که دارند و در مرکز موضوع مورد بررسی هستند انتخاب می‌شوند. افراد یا محل‌هایی که بیشترین اطلاعات را فراهم آورند موارد ویژه هستند و زمانی به‌طور عملی برای پژوهش مفیدند که بتوان نمونه کوچکی انتخاب کرد (Struwig & Stead, 2001).

منجر به شناسایی ۲۸ عامل به‌عنوان اجزاء نظام مرتع‌داری ایران شد. از میان اجزاء نظام مرتع‌داری ایران بیشترین عوامل مربوط به طرح‌ها و برنامه‌های ارائه شده از سوی دولت (۱۵/۵۱ درصد) و کمترین آن مربوط به آموزش و تحقیقات و عرصه‌ی مرتعی (هریک به میزان ۳ درصد) است. نتایج آنالیز تطبیقی متعارف نشان داد که تقریباً نیمی از واریانس موجود در داده‌ها توسط محور اول و دوم قابل توجیه است. از میان اجزاء نظام مرتع‌داری ایران؛ مالکیت، اقتصاد، بودجه و اعتبارات، فرهنگی، اجرای طرح سازمانی/تشکیلاتی و دام به‌عنوان مهمترین اجزاء هستند، این اجزاء در بین بیشتر جوامع پاسخگو عنوان شد و همبستگی بالای ۵۰ درصد با محور اول داشتند (جدول ۲ و شکل ۲).

جامعه‌ی آماری این تحقیق را بهره‌برداران، کارشناسان ستادی و مدیران دستگاه‌های اجرا، بخش خصوصی (تعاونی‌های مرتع‌داری)، کارشناسان ناظر، محققان مراکز تحقیقاتی و استادان دانشگاه به تعداد ۱۸۶ نفر تشکیل دادند (تعداد ۶۸ بهره‌بردار مراعات، تعداد ۹۸ کارشناس اجرا و مدیر، تعداد ۶۵ محقق، متخصص و بخش خصوصی). معیارهای سابقه‌ی کار، تجربه‌ی صحرایی، میزان تحصیلات، تخصص و زمینه‌ی تحقیقاتی مبنای انتخاب اعضای نمونه بود.

### نتایج

نتایج حاصل از روش تحلیل محتوا، تعداد ۱۸۷ موضوع را به‌عنوان مسائل مطرح (عوامل مؤثر) در مدیریت مراعات ایران نشان داد. مسائل شناسایی شده متعلق به ۱۵ طبقه هستند. بیش از ۹۰ درصد عوامل متعلق به عملکرد نظام مرتع‌داری بودند. ۱۰ درصد عوامل مربوط به ساختار و روابط بین نهادها بودند. نتایج حاصل از ارزیابی عوامل مؤثر

جدول ۲- مقادیر ویژه و ضرایب همبستگی بین اجزاء نظام مرتع‌داری با محورها

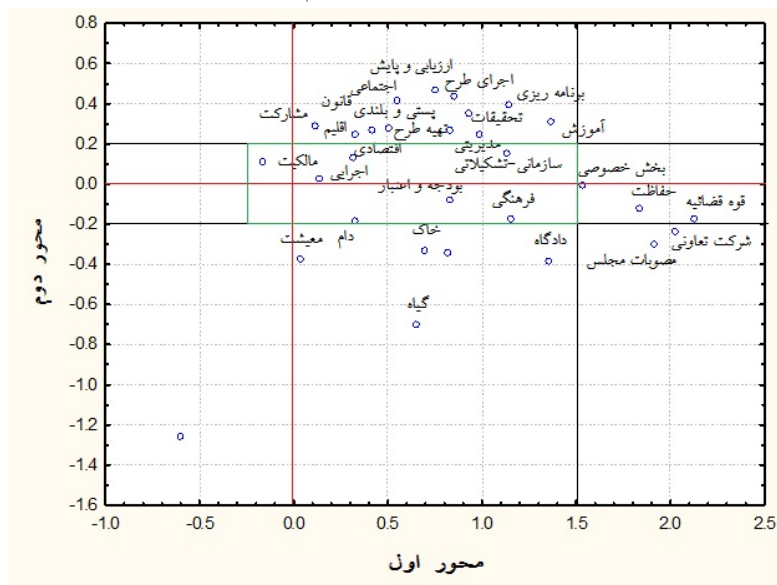
محور	محور اول	محور دوم	محور سوم
مقدار ویژه	۰/۰۸۸	۰/۰۸	۰/۰۴
طول گراپیان	۱/۳۶	۱/۳۴	۱/۰۸
واریانس تجمعی	۴۴/۱۰	۵۶/۸۸	۶۰/۱۵
خاک	۰/۴۷۲	۰/۶۰۶	-۰/۳۱۳
اقلیم	۰/۴۷۰	۰/۰۷۰	۰/۰۴۰
گیاه	۰/۴۷۰	۰/۴۹۳	-۰/۳۸۷
پستی و بلندی	۰/۴۳۰	۰/۳۵۹	-۰/۱۲۱
اجتماعی	-۰/۴۸۰	۰/۲۰۶	-۰/۰۸۷
اقتصادی	۰/۹۸۰	۰/۹۰۰	۰/۷۶۰
فرهنگی	۰/۵۸۰	۰/۴۸۱	۰/۲۹۶
کارشناسی	-۰/۲۰۷	-۰/۴۵۰	۰/۰۹۲
مدیریت	-۰/۲۸۸	۰/۴۸۰	-۰/۱۰۵
یگان	-۰/۵۱۶	۰/۲۷۳	-۰/۵۰۹
قوه قضائیه	-۰/۵۶۰	۰/۲۲۶	-۰/۵۴۸
شرکت تعاونی	-۰/۷۱۰	۰/۲۶۴	-۰/۳۵۷

### ادامه جدول ۲-

محور	محور اول	محور دوم	محور سوم
بخش خصوصی	-۰/۴۹۸	۰/۲۶۶	۰/۰۹۲
کارشناسی	-۰/۲۰۷	-۰/۴۵۰	۰/۰۹۲
مدیریت	-۰/۲۸۸	۰/۴۸۰	-۰/۱۰۵
یگان	-۰/۵۱۶	۰/۲۷۳	-۰/۵۰۹

-۰/۵۴۸	۰/۲۲۶	-۰/۵۳۰	قوه قضائیه
-۰/۳۵۷	۰/۲۶۴	-۰/۵۱۰	شرکت تعاونی
۰/۰۹۲	۰/۲۶۶	-۰/۴۹۸	بخش خصوصی
۰/۰۹۵	۰/۰۵۹	۰/۴۵۶	قانون
۰/۲۷۷	-۰/۲۲۸	۰/۵۲۴	مالکیت
-۰/۲۸۵	-۰/۲۶۹	-۰/۵۱۴	برنامه ریزی
-۰/۴۵۶	۰/۵۹۳	-۰/۳۸۹	آموزش
-۰/۲۷۲	۰/۵۱۳	-۰/۱۷۰	تحقیقات
-۰/۳۶۶	-۰/۴۱۹	۰/۲۴۴	مشارکت
-۰/۳۵۱	۰/۲۱۴	-۰/۷۰۶	تهیه طرح
-۰/۰۵۰	-۰/۰۴۵	۰/۵۵۷	بودجه و اعتبارات
-۰/۱۵۵	۰/۰۵۰	-۰/۵۳۷	سازمانی-تشکیلاتی
-۰/۴۵۱	-۰/۶۰۰	۰/۵۲۸	دام
۰/۱۲۴	-۰/۲۲۰	-۰/۵۱۰	ارزیابی و پایش
-۰/۱۹۸	-۰/۳۸۰	-۰/۴۵۶	اجرای طرح
۰/۰۰۵	۰/۰۵۷	۰/۱۲۸	معیشت
-۰/۰۸۲	۰/۶۳۵	-۰/۴۲۷	مصوبات مجلس
۰/۲۰۸	۰/۵۸۵	-۰/۵۲۰	دادگاه
	۰/۴۷۸۶		واریانس کل

در شکل ۲، اجزایی که در کادر سبز رنگ قرار دارند، به دفعات بیشتری ذکر شده‌اند و اختلاف نظر بین آنها کم بود.



شکل ۲- نمودار پراکنش اجزاء نظام مرتع‌داری ایران با آنالیز تطبیقی متعارف

کارشناسی در نظام مرتع‌داری ایران اشاره کرده‌اند. بیشتر کارشناسان اجرا و به‌ویژه مدیران به اجزاء برون سازمانی، مانند مصوبات مجلس، قانون، کارشناسی، اقتصادی، برنامه‌ریزی، تهیه و اجرای طرح در نظام مرتع‌داری ایران

نتایج حاصل از نظرات افراد پرسش شونده (دست‌اندرکاران مرتع) به تفکیک در جدول ۳ آورده شده است. نتایج نشان داد که تقریباً بیش از ۹۰ درصد بهره‌برداران به اجزاء مالکیت، اقلیم، اقتصادی، معیشت و

اشاره داشته‌اند. عمده‌ی محققان و استادان دانشگاه به اجزاء خاک، اقلیم، اجتماعی، اقتصادی، کارشناسی و قانون اشاره داشتند. عمده‌ی اعضای شرکت‌های تعاونی به موضوع مالکیت و اقتصادی در نظام مرتع‌داری ایران اشاره داشتند.

جدول ۳- درصد تعداد ذکر شده اجزاء نظام مرتع‌داری ایران به تفکیک دست‌اندرکاران نظام/جوامع پاسخگو

دست‌اندرکار	بهره‌بردار	کارشناس اجرا و مدیر	محقق و استاد دانشگاه	اعضاء شرکت تعاونی و خصوصی	جزء
(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	
۳۳/۳۳	۲۵	۹۲/۸۵	۳۲	خاک	
۹۴	۷۵	۹۴	۷۰	اقلیم	
۳۳/۳۳	۱۰	۸۷/۵۷	۱۵	گیاه	
۳۳/۳۳	۶۲/۵	۶۵	۴۵	پستی و بلندی	
۴۵	۸۰	۹۰	۵۰	اجتماعی	
۹۸	۹۳/۷۵	۹۴	۹۰	اقتصادی	
۳۳/۳۳	۵۶/۲۵	۵۷/۱۴	۲۳	فرهنگی	
۸۵	۸۰	۷۱/۴۲	۷۵	کارشناسی	
۳۳/۳۳	۹۳	۷۱/۴۲	۵۰	مدیریت	
۱۶/۶۶	۵۰	۶۴/۲۸	۲۰	یگان	
۱۶/۶۶	۵۰	۶۴/۲۸	۲۰	قوه قضائیه	
۱۶/۶۶	۵۰	۵۷/۱۴	۲۵	شرکت تعاونی	
۱۶/۶۶	۵۰	۵۷/۱۴	۱۵	بخش خصوصی	
۹۴	۹۴	۹۰	۸۰	کارشناسی	
۷۲/۲	۶۹	۷۰	۷۰	مدیریت	
۸۳/۳۳	۹۴	۹۲/۸۵	۷۵	قانون	
۹۴	۸۱/۲۵	۸۷/۵۷	۹۰	مالکیت	
۵	۹۳	۶۴/۲۸	۲۵	برنامه‌ریزی	
۱۵	۷۲/۲	۷۲/۲	۴۵	آموزش	
۳۳/۳۳	۸۳/۳	۸۳/۳	۳۳	تحقیقات	
۸۱/۸	۷۵	۷۱/۴۲	۸۰	ترویج و مشارکت	
۵۰	۹۰	۵۷/۱۴	۵۰	تهیه طرح	
۵۰	۶۸/۷۵	۶۵/۷۱	۴۵	بودجه و اعتبارات	
۱۶/۶۶	۶۶/۶	۵۷/۱۴	۲۰	سازمانی-تشکیلاتی	
۶۶/۶۶	۷۵	۵۷/۱۴	۶۰	دام	
۳۳/۳۳	۷۱/۴۲	۷۱/۴۲	۳۰	ارزیابی و پایش	
۱۶/۶۶	۹۳	۵۰	۲۵	اجرای طرح	
۹۰	۸۳	۷۵	۸۱	معیشت	
۲	۹۹	۵۰	۱۵	مصوبات مجلس	
۵	۵۰	۵۰	۲۵	دادگاه	

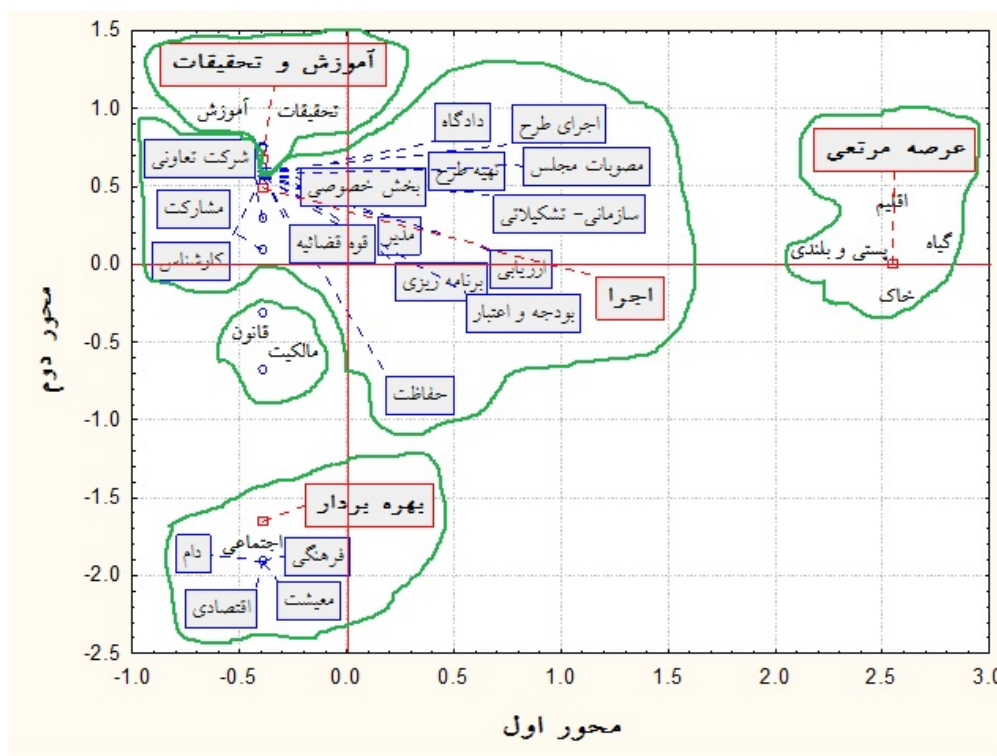
به‌جزء بهره‌بردار و هم به‌جزء نظام اجرایی در نظام مرتع‌داری تعلق دارند. آموزش و تحقیقات و اجرا بیشترین میزان همبستگی را با محور دوم دارند. میزان همبستگی آموزش و تحقیقات (۰/۶۴۰) بیشتر از اجراست (۰/۴۸۹). این دو جزء

تعلق هر یک از اجزاء به محتواهای شناسایی شده در سطح اول از جمله بهره‌بردار، عرصه‌ی طبیعی، نظام اجرایی و نظام آموزش و تحقیقات مشخص شد. از بین اجزاء شناسایی شده؛ از نظر جوامع پاسخگو دو جزء مالکیت و قانون هم

در سطح اول همپوشی دارند، با اینحال قابل تفکیک هستند (جدول ۴ و شکل ۳).

جدول ۴- مقادیر ویژه و ضرایب همبستگی بین متغیرهای سطح اول با محورها

متغیر	محور		
	محور اول	محور دوم	محور سوم
مقدار ویژه	۱	۰/۷۴	۰/۱۲
طول گرادیان	۲/۵۰	۲/۰۸	۱/۵۵
درصد واریانس	۴۲/۴۴	۷۴/۱۷	۸۱/۱۵
ضریب همبستگی			
بهره بردار	-۰/۲۴۸	-۰/۷۹۳	-۰/۵۴۸
اکوسیستم	۱	-۰/۲۱۶	-۰/۱۰۹
اجرائی	-۰/۵۲۸	-۰/۶۴۰	-۰/۸۳۰
آموزش و تحقیقات	-۰/۱۵۹	-۰/۴۸۹	-۰/۴۹۰
واریانس کل		۲/۳۵۶۴	



شکل ۳- نمودار تعلق اجزاء نظام مرتعداری ایران به اجزاء سطح اول با آنالیز تطبیقی متعارف

برخی از اجزاء نظام مرتعداری در سطح دوم قابل تفکیک تا سطح بعدی (سطح سوم) هستند. از این رو برای استخراج اجزاء سطح سوم؛ اجزاء موجود در سطح دوم از نظر تعلق به سایر طبقات دسته بندی شدند. در این تقسیم بندی، اجزاء به طبقات اجرا، برون سازمانی، درون سازمانی و مسائل

نتایج بدست آمده تاکنون منجر به تعیین اجزاء نظام مرتعداری ایران تا سطح دوم شده است. سطح اول شامل بهره بردار، اجرائی، اکوسیستم و آموزش و تحقیقات است. اجزاء متعلق به سطح دوم با توجه به نتایج جدول ۴ و شکل سوم تعیین شدند. با توجه به نظرات افراد پرسش شونده،

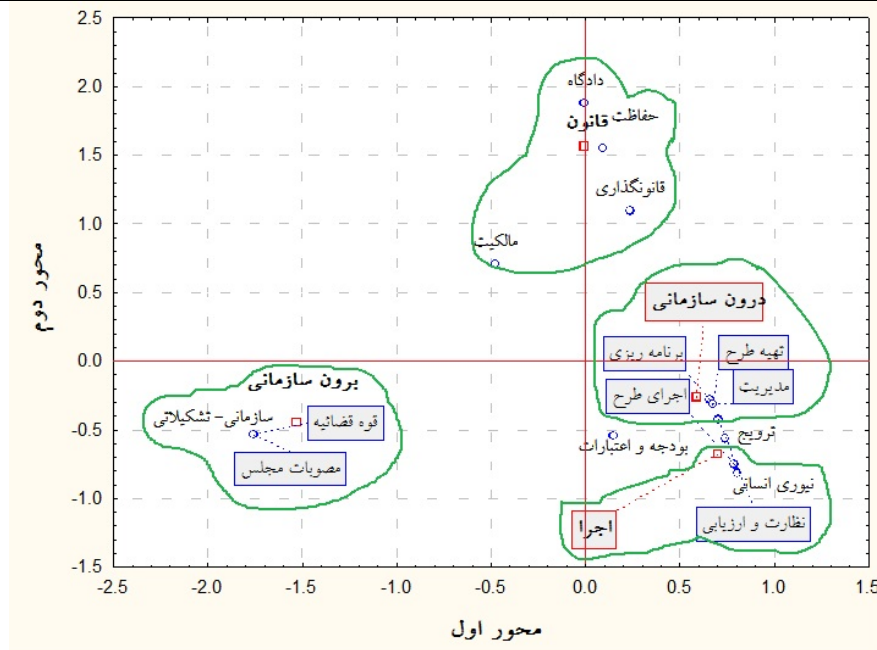


جزء اجرایی است. درحالی‌که برخی از جوامع پاسخگو بر این باورند که بودجه و اعتبارات ریشه در قانون دارد که ردیفی برای آن در نظر گرفته نشده است. از این‌رو تفکیک این اجزاء به خوبی انجام نمی‌شود (جدول ۵ و شکل ۴).

قانونی طبقه‌بندی شدند. از نظر جوامع پاسخگو، دو جزء "بودجه و اعتبارات" و "ترویج و مشارکت" می‌تواند به سه طبقه‌ی اجرا، درون سازمانی و قانون تعلق یابند. به‌ویژه کارشناسان بخش اجرا و مدیران معتقدند بودجه و اعتبارات متعلق به اجزاء درون سازمانی و برخی معتقدند متعلق به

جدول ۵- مقادیر ویژه و ضرایب همبستگی بین متغیرهای سطح دوم با محورها

متغیر	محور اول	محور دوم	محور سوم
مقدار ویژه	۰/۷۵۸	۰/۱۲۹	۰/۰۴۹
طول گرادیان	۳/۱۹	۱/۶۶	۳/۲۶
ضریب همبستگی			
درون سازمانی	-۰/۴۵۷	-۰/۸۱۵	۰/۲۳۱
برون سازمانی	۰/۸۲۵	۰/۴۶۷	-۰/۸۷۰
اجرا	-۰/۶۹۷	۰/۴۶۸	۰/۰۶۶
قانون	۰/۲۲۸	-۰/۱۱۹	۰/۶۵۵
واریانس کل		۱/۸۷۹۹	



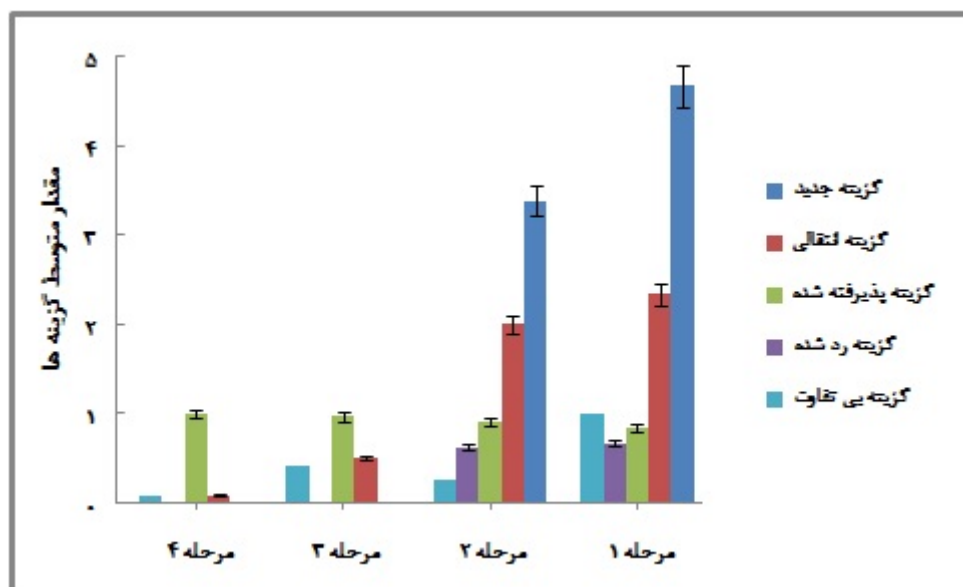
شکل ۴- نمودار تعلق اجزاء نظام اجرایی به اجزاء سطح دوم با آنالیز تطبیقی متعارف

نظام مرتع‌داری ایران و رفع ابهامات، ساختار حاصل مورد قضاوت دوباره توسط افراد پرسش‌شونده قرار گرفت. در این زمان، افراد ۵ نظر متفاوت در جایگاه مکانی اجزاء در نظام مرتع‌داری ایران ارائه کرده‌اند که عبارتند از: الف) برخی از افراد جزء/گزینه‌ی جدیدی پیشنهاد کردند، ب) برخی افراد

تا بدین جا ساختار اولیه‌ی نظام مرتع‌داری ایران به صورت سلسله مراتبی تا سه و گاهی چهار سطح ادامه یافت. به‌عنوان مثال قانون در سطح سوم است که عده‌ی اندکی آنرا در سطح چهارم به دو جزء اجرای قانون و تهیه‌ی قانون تفکیک کردند. از این‌رو برای نهایی کردن ساختار

ساختار نهایی شد (شکل ۵). از مرحله‌ی یک به سمت مرحله‌ی چهار، تعداد متوسط اجزاء نظام مرتعداری ایران از تقریباً پنج عدد به صفر کاهش یافت. به نوعی که در مرحله‌ی چهارم هیچ گزینه‌ای وارد نظام مرتعداری ایران نشد.

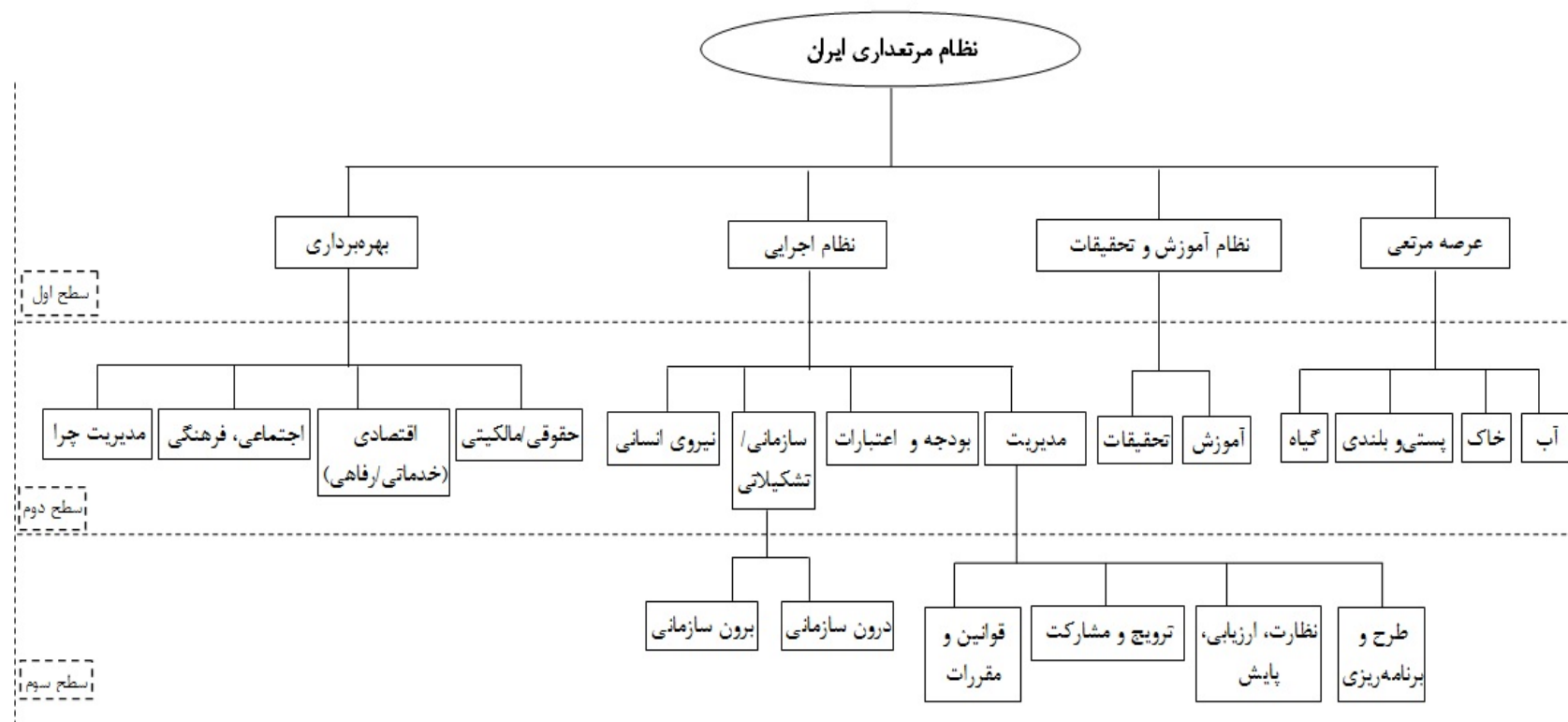
گزینه‌ای را رد کردند، ج) برخی افراد اجزاء موجود را پذیرفتند، د) برخی افراد اظهار بی‌تفاوتی و عدم اظهار نظر در مورد برخی اجزاء داشتند و و) برخی افراد معتقد بودند که جزء و یا اجزایی بهتر است به سطح و یا گروه دیگری منتقل شود. با توجه به میانگین تغییر نظرات در اجزاء مورد نظر



شکل ۵- تغییرات مقدار متوسط نظرات افراد خبره در مورد اجزای نظام مرتعداری ایران

اعتبار، نیروی انسانی و تشکیلاتی/سازمانی است. جزء نظام بهره‌برداری نیز شامل اجزاء مالکیتی/حقوقی، اقتصادی، اجتماعی/فرهنگی و مدیریت چراست. در سطح سوم، جزء مدیریت شامل اجزاء طرح و برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی، ترویج و مشارکت‌های مردمی و قوانین و مقررات است. جزء سازمانی/تشکیلاتی نیز شامل دو جزء درون سازمانی و برون سازمانی است (شکل ۶).

نتایج حاصل از مطالعه انجام شده نشان داد که نظام مرتعداری ایران مرکب از سه سطح است. در سطح اول عرصه‌ی مرتعی، نظام آموزش و تحقیقات، نظام اجرایی و نظام بهره‌برداری قرار دارد. در سطح دوم عرصه‌ی مرتعی خود شامل آب، خاک، پستی و بلندی و گیاه است. نظام آموزش و تحقیقات مرکب از دو جزء آموزش و تحقیقات است. نظام اجرایی شامل چهار جزء مدیریت، بودجه و



شکل ۶- نظام مرتعداری ایران (Rangeland site, Education and Research, Expert and Pastoral System: R<sub>s</sub>EREPS) با رویکرد سلسله مراتبی (یافته تحقیق)

## بحث

با توجه به نتایج این مطالعه ساختار سلسله مراتبی نظام مدیریت مراتع ایران طراحی و تدوین گردید. هریک از بخش‌ها در سطوح مختلف توجه ویژه‌ای را می‌طلبند که برنامه‌ریزی و مدیریت باید با توجه به آن انجام شود. نتایج نشان داد که بین کارشناسان، مدیران اجرایی، بهره‌برداران، محققان و دانشگاهیان در مورد تعلق برخی از اجزاء نظام مرتع‌داری ایران اختلاف نظر وجود دارد. بخش عمده‌ای از همپوشانی و تفرق آراء حکایت از همین اختلاف دیدگاه‌ها دارد. بهره‌برداران بخش عمده‌ای از مشکلات مراتع (۹۴ درصد) را مربوط به بحث مالکیت مراتع می‌دانند. درحالی‌که مدیران و کارشناسان اجرا عمده مشکلات مراتع (۹۴ درصد) را مربوط به چگونگی اجرا و عملکرد قانون قلمداد می‌کردند و در این مورد به اسناد بالادستی (قانون اساسی، سند چشم‌انداز توسعه و برنامه‌های پنجساله) اشاره داشتند.

این اختلاف نظر بیانگر وجود تفاوت دیدگاهی و فاصله‌ی بین درک و فهم بهره‌برداران، مدیران و کارشناسان بخش اجراست. کارشناسان و مدیران اجرایی عمدتاً به مسائلی همانند سند چشم‌انداز و قانون اشاره داشتند، درحالی‌که توسط بهره‌برداران هیچگونه اظهارنظری نشد. البته عدم اظهارنظر بهره‌برداران می‌تواند ناشی از ناآگاهی آنان باشد. دانشگاهیان و محققان، ترویج و مشارکت‌های مردمی را متعلق به زیرمجموعه‌ی نظام آموزش و تحقیقات دانسته، در حالی‌که کارشناسان و مدیران بخش اجرا آنرا گزینه‌ای از نظام اجرایی و مدیریتی بیان می‌کردند. بیشتر افراد پاسخگو به مسائل اقتصادی، اجتماعی و حقوقی بهره‌برداران اشاره کردند که بیانگر اهمیت بالای این مسائل و وجود یک اجماع نظر در این بخش است.

با اجماع نظر تمام بخش‌ها، عرصه‌ی مرتعی در سطح اول قرار گرفته است. با توجه به عدم تعادل دام و دامدار در مرتع، عرصه‌ی مرتعی به‌عنوان یکی از موارد مهم در تخریب و سیر قهقراپی مراتع کشور ذکر شد. زیرا سطح اختصاص به هریک از دامداران با سطح اقتصادی که بتواند اقتصاد و معیشت خانوار را تأمین کند، تناسب ندارد (Arzani et al.,

2007). خلیلیان (۱۳۷۵) و Ansari و همکاران (۲۰۰۸) نیز به نتایج مشابهی رسیدند و تأیید کردند که یکی از عوامل مهم و مؤثر در تخریب مراتع، تغییر وسعت (تغییر کاربری) و کاهش روزافزون سطح اختصاص به هریک از دامداران مجاز است. با فشار بر مرتع به‌ویژه با ورود دامداران غیر ذیحق و دام غیرمجاز، جمعیت بهره‌بردار افزایش یافته و متعاقباً تولید مرتع و درآمد بهره‌برداران به‌شدت کاهش می‌یابد و بهره‌برداران فقیرتر می‌شوند. ضعف اقتصادی و فرهنگی دامداران در منطقه متأسفانه تأثیر بسزایی بر روند تخریب مراتع گذاشته است. نتایج فوق با نتایج تحقیقات Scherr (۲۰۰۰) و شریفی‌نیا و مهدوی حاجیلویی (۱۳۹۰) مطابقت دارد. آنان تخریب محیط‌زیست را ریشه در بهره‌برداری‌های ناپایدار روستاییان فقیر و باسواد و آگاهی اندک عنوان کردند که به‌شکل‌های مختلفی مانند استفاده از منابع طبیعی (هیزم، فضولات حیوانی و مانند اینها) برای سوخت، چرای بی‌رویه‌ی دام، تغییر کاربری اراضی جنگلی و مرتعی به زراعی استفاده می‌کنند. از آنجا که دامداران نیازهای خود را در اولویت می‌بینند و برای رفع این نیازها به مراتع وابسته هستند، تا جایی که لازم باشد از مراتع استفاده می‌کنند و به‌فکر آیندگان نمی‌توانند باشند (اورنگی، ۱۳۹۲). بهره‌بردار مرتع، در وهله اول دامپرور است که دارای گوسفند و بز بوده و بعلاوه اینک از لحاظ فیزیولوژی گوسفند و بز حیوانی هستند که باید حداکثر استفاده مطلوب را از مراتع بکنند تا دامپروری‌شان اقتصادی باشد، اگر ما بخواهیم به گوسفند یا بز مثل گاو و طیور غذای دستی در طول سال بخورانیم این حرفه اقتصادی نمی‌شود و به‌ضرر بهره‌بردار تمام می‌شود (اورنگی، ۱۳۹۲). به‌علاوه اینک استفاده‌کننده از مرتع دامدار می‌باشد نه مرتع‌دار، فقط به دامداری می‌اندیشد، قابلیت‌ها، استعدادها و استفاده‌های دیگر از مراتع در نظر گرفته نمی‌شود. دامدار برای تأمین اقتصاد خانوار اقدام به ورود دام مازاد بر ظرفیت و انجام چرای مفرط می‌کند و چرخه تخریب مراتع و فقر اقتصادی خانوار اتفاق افتاده و تکرار می‌شود. این است که هر سال نسبت به سال گذشته، وضعیت مرتع بدتر و سیر قهقراپی پیدا می‌کند. بنابراین به

تأثیرگذاران بر سرنوشت منابع مرتعی را می‌توان عموماً همه‌ی مردم و به‌ویژه جمعیت‌های عشایری و روستایی و در عین حال همه‌ی مقامات در سلسله مراتب مدیریتی، اعم از چوپان و رمه‌گردان، بهره‌بردار، سرمایه‌گذار و کارآفرین، استاد دانشگاه، محقق، کارشناس و مدیر، مجری، قاضی، داور، وکیل و وزیر و رؤسای قوا دانست. مشکل اصلی فقدان مهارت و اطلاعات علمی-کاربردی لازم و کافی در بین تأثیرگذاران بر سرنوشت منابع مرتعی در فرایند حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری بهینه از مراتع است. نتایج تحقیقات این محقق با نتایج این تحقیق مطابقت دارد (Haji Amiri و Mohammad Ebrahim Zanjani, 2013 و Lemar, 2012). سواد کم و ناموفق بودن مرتع‌داران را در انجام وظایف از دلایل مهم عدم مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های ارائه شده عنوان کردند. برخی از محققان عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهره‌برداران از جمله عدم وجود اطلاعات جامع در مورد نیازهای آموزشی عشایر ایران (Ghasemi & Hajimirrahimi, 2013) را عوامل تأثیرگذار در وضع نامناسب کنونی مرتع می‌دانند.

۷۲/۲ درصد از جوامع پاسخگو نگاه بالا به پائین کارشناسان و مدیران اجرایی را به‌عنوان یکی از اجزاء مهم و اثرگذار در مدیریت مراتع معرفی کردند. بیشتر بهره‌برداران، محققان و دانشگاهیان برخورد قهری و نگاه بالا به پائین را مناسب ندانستند و تأکید کردند که دلیل عمده عدم بکارگیری توصیه‌های علمی و فنی کارشناسان توسط دامداران را حکایت از این امر دانستند. نکته‌ی جالب توجه آنکه کارشناسان و مدیران اجرایی بر تسلط علمی، فنی و حقوقی موضوع از سوی کارشناسان نسبت به بهره‌برداران تأکید کرده و برخوردی دستوری را ناگزیر می‌دانستند. آنان بیان کردند که ملاک و شاخص هر کسی در حوزه عملکرد آن باید اجرای قانون باشد. Ansari (۱۹۹۲) و Ansari و همکاران (۲۰۰۸) نیز نظر مشابهی داشتند. آنان بیان کردند که راه حل برون‌رفت از وضعیت کنونی اعمال قدرت و مدیریت قوی از طرف دولت است.

از میان جوامع پاسخگو، عمده‌ی کارشناسان (۶۶/۶

نظر می‌رسد کاهش جمعیت بهره‌برداران و کمک در تأمین علوفه‌ی دام آنها می‌تواند کمک مؤثری در کاهش فشار مراتع باشد. از نظر بهزاد (۱۳۹۱) تخصیص اعتبارات ملی در جهت اجرای طرح‌های مدیریت یکپارچه‌ی مراتع، خرید حقوق عرفی دامداران خرده‌پا به دلیل کاهش تخلفات دامی و رسیدن به واحدهای اقتصادی، اجرایی کردن ماده ۱۴ قانون بهره‌وری بر اساس موارد پیش‌بینی شده، توجه به اکوتوریسم، تقویت تشکل‌های دامداری حداقل بصورت نیمه‌صنعتی از جمله راهکارهای ارائه شده است که برای ایجاد تعادل بین دام و مرتع خواهد شد.

بیش از نیمی از جوامع پاسخگو به عدم توانمندی علمی در پاسخگویی به نیازها و عدم تسلط کافی بر مسائل فنی و اکولوژیکی توسط بخش آموزش (۷۲/۲ درصد) اشاره کردند. قابل ذکر است که جوامع تحقیقاتی و دانشگاهی به این مورد کمتر اشاره کرده‌اند. البته ۸۳/۳ درصد از جوامع پاسخگو از جمله بهره‌برداران، کارشناسان و مدیران اجرایی هنوز بر ضرورت انجام تحقیقات علمی نوین و بیشتر در این زمینه تأکید داشتند. این اختلاف نظر بیانگر عدم وجود ارتباط کافی و مناسب بین اجرا و دانشگاهیان است، به‌گونه‌ای که دانش روز و اندوخته‌های علمی کمتر به بخش اجرا راه می‌یابد. نکته قابل تأمل دیگر آنکه ۸۱/۸ درصد بهره‌برداران، کارشناسان و مدیران بخش اجرا را نیازمند آموزش نحوه تعامل و برخورد با بهره‌برداران می‌دانستند و یکی از دلایل عمده‌ی عدم اجرا و به‌کارگیری پیشنهادهای کارشناسان اجرایی توسط بهره‌برداران را نگاه و رفتاری بالا به پائین می‌دانستند. این ضرورت بازنگری در بخش آموزش و ترویج بخش اجرا را بیان می‌کند. نامجویان و محمدخانی (۱۳۹۰) نیز یافته‌ی مشابهی داشتند و آموزش کارشناسان را در افزایش کیفیت و عملکرد مراتع به‌عنوان مهمترین معیارهای توسعه پایدار عنوان کردند. Bazhian (۲۰۰۷) نیز مشکلات بخش اجرایی منابع طبیعی را به نظام آموزشی مرتبط دانستند و به عدم هماهنگی تکنولوژی و مدیریت و بهره‌برداری صحیح از مراتع اشاره کردند. شهبازی (۱۳۸۸) نیز در تحقیق خود به این نتیجه دست یافته است که

اکثریت مرتع‌داران ابراز تمایل به کار گروهی ندارند. مهمترین دلایل مجریان برای سر باز زدن از کار گروهی را می‌توان در عدم رعایت زمان چرا، عدم همکاری در اجرای تعهدات طرح، عدم رعایت تعداد دام مجاز، مشکلات موجود در استفاده از منابع اعتباری و تسهیلات بانکی و مشکلات ناشی از بازپرداخت آنها در طرح‌های گروهی دانست. این مشکلات ریشه در مالکیت مرتع دارد. بنابراین به نظر می‌رسد هر چه نوع مدیریت در بهره‌برداری از افزایی به سمت گروهی می‌رود، به دلیل بیشتر شدن مشکلات اقتصادی و اجتماعی و ضعف پایداری افراد به قوانین، منافع آنی بر منافع عام رجحان پیدا کرده و این امر باعث می‌شود با گذشت زمان در سامان‌های عرفی میزان درجه وضعیت و تولید علوفه در هکتار کاهش یابد. این نتایج با یافته‌های باژیان (۱۳۷۴)، عبدالله‌پور (۱۳۷۶)، پاپلی یزدی و لباف خانیکی (۱۳۸۹)، Lise (۲۰۰۰) و حیدری و همکاران (۱۳۸۹) همسویی دارد.

باژیان (۱۳۷۴) بهترین حالت بهره‌برداری از مراتع حریم روستایی را از دیدگاه بهره‌برداران مراتع استان فارس، واگذاری تفکیکی معرفی کرد. ایشان معتقد است در واگذاری تفکیکی انگیزه‌ی مالکیت در حفاظت و احیای مراتع تقویت می‌شود. عبدالله‌پور (۱۳۷۶) نیز مشاعی بودن مراتع را شکلی از عدم تعیین تکلیف و عامل همه خرابی‌ها و عدم سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی برای حفظ، احیاء و توسعه می‌داند و اظهار می‌دارد که مشاعی بودن دلیل اصلی سبقت در تخریب، یعنی چرای زودرس و چرای مفرط است. پاپلی‌یزدی و لباف خانیکی (۱۳۸۹) با بررسی نظام‌های مرتع‌داری در مراتع ایران اعتقاد دارند که مؤلفه‌های بوم‌شناسی، وضعیت پوشش گیاهی و مشخصات فنی مراتع از عوامل شکل‌گیری نظام‌های مدیریت چرا و بهره‌برداری از مراتع است.

نتایج حکایت از آن دارد که ساختار سلسله مراتبی مدیریت مراتع قادر است بیشتر مشکلات مراتع ایران را شناسایی و پاسخ دهد. مشکل و یا بعد دیگری وجود ندارد که در این ساختار لحاظ نشده باشد. در این ساختار مفاهیم

درصد) و همه‌ی مدیران اجرایی بر دخالت بخش برون سازمانی و عملکردهای موازی برخی از بخش‌های قوه‌ی مجریه و گاهی تداخل وظایف برخی قوا در زمینه‌ی مدیریت و بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور را یکی از عوامل عمده مؤثر در وضعیت کنونی مراتع می‌دانستند. Bazhian (۲۰۰۷) نیز دخالت سازمان‌ها در امر مدیریت و بهره‌برداری از منابع طبیعی را عامل مهمی در تخریب مراتع و بروز مسائل و اختلافات حقوقی و اداری در این زمینه عنوان کرد.

یکی از بخش‌هایی که تقریباً تمام بخش‌های مدیریتی، اجرایی، بهره‌برداری، تحقیقاتی، آموزشی و دانشگاهی بر آن اجماع نظر داشتند، عدم توجه کافی به معیشت خانوار و اقتصاد خانواده‌های بهره‌بردار از مراتع از سوی قانون‌گذاری بخش منابع طبیعی بود. Arzani و همکاران (۲۰۰۵) نیز ضرورت توجه به مسائل معیشتی و اقتصادی خانواده را تأیید و وضعیت کنونی را با وضعیت ایده‌آل دارای فاصله‌ی زیادی ذکر کردند. مورد دیگری که مربوط به مسائل حقوقی و عدم جذب سرمایه‌گذاری در بخش مرتع است، استفاده مشاع توسط بهره‌برداران است و تأکید می‌شد که چگونه می‌توان سرمایه‌گذاری، احیاء و اصلاح کرد. درحالی‌که به بهره‌برداران اطمینانی وجود ندارد و هر فرد دیگری از مرتع می‌تواند بهره‌برداری کند. Khalighi و همکاران (۲۰۰۶) نیز توجه به مسائل مالکیتی و حقوقی حاکم بر مراتع را ضروری دانسته‌اند. برخی بهره‌برداران در سامان‌های مشاعی به بی‌نظمی در بهره‌برداری از مراتع اشاره کرده‌اند که با نتایج تحقیقات بارانی (۱۳۹۰) همخوانی دارد. بنابراین به نظر می‌رسد مطابق با نتایج بارانی (۱۳۹۰) می‌توان با وضع مقرراتی بین گروه‌های مختلف بهره‌بردار یا تجدیدنظر در قوانین تعاونی‌های مرتع‌داری از سوءاستفاده جلوگیری کرد. همانطوری‌که در مراتع کوه گلول در خراسان شمالی، عشایرنشینان از روش قرعه‌کشی بین جوامع برای بهره‌برداری عادلانه از مراتع استفاده می‌کنند. نتایج تحقیقات ازکیاء (۱۳۷۴) با نظرسنجی از مرتع‌داران نشان داد که ۵۲ درصد از اعضای طرح‌های مرتع‌داری مطلوبترین تعداد را برای مدیریت بهتر مراتع طرح بین ۱ تا ۳ نفر می‌دانند.

جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، نمایندگان اتحادیه‌ها و تعاونی‌های مرتع‌داری، محققان مراکز تحقیقاتی و استادان دانشگاه که در تمام یا بخشی از مراحل انجام مطالعه همکاری داشته‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

### منابع مورد استفاده

- شریفی‌نیا، ز. و مهدوی حاجیلویی، م. ۱۳۹۰. نقش فقر اجتماعی و اقتصاد روستایی بر تخریب محیط‌زیست (مطالعه موردی: مرتع ممیزی شده‌ی شوررود، بخش شیب آب شهرستان زابل). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۶: ۸۴-۶۷
- حیدری، ق.ا.، بارانی، ح.، عقیلی، س.م.، قربانی، ج. و محبوبی، م.ر. ۱۳۸۹. رابطه خدمات حمایتی ترویجی و مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری (مطالعه موردی، مراتع بیلاقی بلده - شمال ایران). پژوهش‌های حفاظت آب و خاک، ۱۷(۴): ۶۶-۴۷.
- بهباد، ت. ۱۳۹۱. مدیریت چرا و چگونگی کوچ با نگرش جلوگیری از چرای زود هنگام. وزارت جهاد کشاورزی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور معاونت مناطق خشک و نیمه خشک، گروه اصلاح و احیاء، ایراف ۱۰۰ ص.
- ارزانی، ح. ۱۳۹۰. آینده مرتع و مرتعداری در ایران. همایش مدیریت پایدار مراتع کشور، گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم، کرج، ۲۱ مهر ماه ۱۹ ص.
- بخشی جهومی، ع. ۱۳۸۵. مشارکت جوامع روستایی: دیدگاهی مکمل برای روش تحقیق کیفی در مطالعه اقتصادی - اجتماعی پروژه‌های آبخیزداری. دومین کنفرانس ملی آبخیزداری و مدیریت منابع آب و خاک. اسفند ماه، کرمان، ۱۲۷-۱۲۰.
- بدری‌پور، ح. ۱۳۸۸. سهم و نقش مردم در مرتع. چکیده مقالات چهارمین همایش ملی مرتع و مرتعداری ایران، کرج، ۱۱ آبان، ۴۱۴ ص.
- شهبازی، ا. ۱۳۹۰. مدیریت آموزشی و ترویجی در بهره‌برداری پایدار از مراتع کشور. همایش مدیریت پایدار مراتع کشور، گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم، ۲۱ مهر ماه ۲۲ ص.
- باژیان، غ.ر. ۱۳۷۴. بهترین حالت بهره‌برداری از مراتع حریم روستایی از دیدگاه دامداران روستایی. گاهنامه‌ی تحقیق و توسعه، ۵: ۵۷-۵۲.
- پاپلی یزدی، م.ح. و لباف خانیکی، م. ۱۳۸۹. مرتع، نظام‌های بهره‌برداری. تحقیقات جغرافیایی، ۴۷۴: ۹۹۳۰-۹۸۹۷.
- ازکیاء، م. ۱۳۷۴. مطالعه بررسی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فنی

از دل تحقیق درآمده و ساماندهی شد تا میزان همپوشانی بین سطوح با یکدیگر خیلی کم و هر زیرنظام با دیگر زیرنظام کاملاً متفاوت باشد. از طرفی هریک از اجزاء بدون در نظر گرفتن سایر اجزاء قابل تفسیر و قابل فهم است. این ساختار به صورت واضح‌تر و دقیق‌تری مشکلات را دسته‌بندی، قابل فهم‌تر و قابل مدیریت‌تر می‌کند. بدین طریق می‌توان اقدامات با قابلیت مدیریتی و راهبردی‌تر را در هر سطح و جزء معطوف داشت.

با توجه به اینکه این مطالعه در دو استان گلستان و خراسان شمالی انجام شده و امکان آن وجود دارد که مسائل مبتلابه در نقاط دیگر کشور متفاوت باشد و بخش‌هایی از کاوش و مطالعه‌ی دقیق مغفول مانده باشد، پیشنهاد می‌شود در قالب یک طرح پژوهشی ملی چنین مطالعه‌ای در سطح کل کشور انجام شود تا زوایای پنهان دیگر نظام مرتعداری ایران بهتر آشکار شده و سیاست‌گزاران، مدیران و برنامه‌ریزان با نگرشی جامع‌تر و آگاهی بیشتر بتوانند اقدام کنند.

همچنین پیشنهاد می‌شود روابط بین اجزاء نظام مرتعداری ایران از نظر میزان اثرگذاری، روابط از نوع ایجاد عیب و ناکارآمدی، پیش‌بینی و آینده‌نگری مشابه مطالعات آینده‌پژوهی انجام شود. به این طریق می‌توان در جهت رسیدن به اهداف و سیاست‌های مطرح شده در مدیریت مرتع گام برداشت.

### سپاسگزاری

این مقاله بخشی از رساله‌ی دکترای نویسنده‌ی مسئول است که با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان انجام شده است، بر خود لازم می‌دانیم تشکر و قدردانی کنیم.

از بهره‌برداران مختلف کرد، ترکمن و فارس در دو استان گلستان و خراسان شمالی به دلیل همکاری‌ها و همراهی‌های بی‌منت سپاسگزاریم. همچنین از افراد حقیقی و حقوقی ذیل از جمله کارشناسان اجرا و مدیران استان‌های خراسان شمالی و گلستان، مدیران بازنشسته، کارشناسان ستادی سازمان

- اعتبارات). سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ۱۳ ص.
- Haji Mohammad Ebrahim Zanjani, M., Arzani, H., Farahpour, M., Javadi, S.A., Zandi Esfahan, E. and Bihamta, M. R., 2013. Effect of management and rangeland's area on vegetative characteristics (case study: Taleghan watershed). *Journal of Biodiversity and Environmental Sciences*, 3(7): 1-12.
- Amiri Lemar, M., 2012. Socioeconomic factors affecting the degradation of natural resources (Case study: basin 9 Of Shafaroud). *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*. 3(8): 1567-1573.
- Ghasemi, N. and Hajimirrahimi, S. D., 2013. Study of educational needs of nomads utilizing Arasbaran dam watershed in the field of cattle breeding. *European Journal of Experimental Biology*, 3(5): 16-26.
- Lise, W., 2000. Factors influencing people participation in forest management in India. *Journal of Ecological Economic*, 34: 379-392.
- Struwig, F, Stead, G. B., 2001. Planning, designing and reporting research. Pearson Education South Africa.
- Arzani, H., Azarnivand, H. and Mehrabi, A. A., 2005. Minimum rangeland area for rural pastoralism of Markazi Province. *Iranian Journal of Range and Desert Research*, 10(2): 327-338.
- Abdusalam, M. D. and Noguchi, T., 2006. Evaluation capacity development for participatory forest management in Bangladesh Sal forest based on 4RS stakeholder analysis, *Forest policy and Economics*, 8: 785-796.
- Ahmady, A., 2003. The effect of grazing management on rangeland protection. *Iranian Journal of Range and Desert Research*, 10(4(13)): 471-489.
- Amir Maleki, A. R., Kamali, M. and Mohammad Beigi, J., 2008. Effect of rangeland management project performance on production, trend and range condition (Case study: Ghazvin province). *Journal of forest and rangeland*, 79-80: 69-73.
- Ansari, N., Seyed Akhlaghi Shal, S. and Ghasemi, M., 2008. Determination of socio-economic factors on natural resources degradation of Iran. *Iranian Journal of Range and Desert Research*, 15(4): 508-524.
- Ansari, N., 1992. Traditional concepts of rangeland utilization and participation methods of nomadic community in Lorestan Province. M.Sc. Thesis, Natural Resources Department, Tehran University, Iran.
- Ansari, N. and Seiyed Akhlaghi, S. J., 2009. Comparison of the opinion of rangeland user and expert about factors influencing natural resources degradation in Iran. *Rangeland*, 3(3): 519- 532.
- Ansari, N., Fayaz, M. and Ghasemi, M. H., 2009. Estimate of Iran-Turanian zone rangelands degradation rate by measuring and suggestion Index. *Iranian journal of Range and Desert Reseach*, 16 (3): 293-304.
- Arzani, H., Azarnivand, H., Mehrabi, A. A., Nikkhah, A. and Fazel Dehkordi, L., 2007. The minimum طرح‌های مرتعداری که در استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مشتمل، ۱۰ جلد.
- برنامه آمایش استان گلستان، ۱۳۹۰. بخش اول و دوم. اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان، ۵۱۹ صفحه.
- بصری، م. ۱۳۹۰. مدیریت پایدار مراتع. همایش مدیریت پایدار مراتع کشور، گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم، تهران، ۲۱ مهر ماه. ۴ صفحه.
- خلیلیان، ص. ۱۳۷۵. اقتصاد منابع طبیعی. مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، ایران، ۱۰۸ ص.
- سعد الدین، ا. ۱۳۹۱. طرح کلان ملی مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز. کارگاه تخصصی هم‌اندیشی و تبیین اهداف و مراحل اجرای طرح. ۱۵ و ۱۶ آذر ماه. ۳۶ ص.
- عبدالله‌پور، م. ۱۳۷۶. چرا و چگونه زمین‌های مدیریت توسط سرمایه‌گذاری بخش خصوصی باید فراهم شود. اولین همایش ملی مرتع و مرتعداری در ایران، سازمان جنگلها و مراتع، دانشگاه صنعتی اصفهان، ۱۱۸-۱۱۲.
- شامخی، ت. و میرمحمدی، س.م. ۱۳۹۱. چالش‌های جنگل‌ها و مراتع ایران و پیشنهادهایی برای رفع مشکلات. مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، گزارش راهبردی، ۱۵: ۳۱ ص.
- محبی، ع. و جعفری، م. ۱۳۸۴. طرح مدل پویای مرتع. دانشگاه تهران، ایران، ۲۴۲ ص.
- معین‌الدین، ح. و علیزاده، ع. ۱۳۷۸. نیاز به تسهیلات اعتباری در اجرای طرح‌های مرتعداری انتشارات داخلی سازمان جنگلها و مراتع کشور. دفتر فنی مرتع.
- مهرابی، ا. ۱۳۶۹. اسکان عشایر و مسئله مراتع. سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایری. اسفندماه، شیراز.
- نامجویان، ر. و محمد خان، ش. ۱۳۹۰. معیارهای توسعه پایدار مراتع. همایش مدیریت پایدار مراتع کشور، گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم، تهران، ۲۱ مهر ماه، ۱۱ ص.
- اورنگی، ع. ۱۳۹۲. توجه به وضع اقتصادی دامداران برای حفظ مراتع ضروری است. خبرگزاری دانشجویان ایران، چهارشنبه، ۲ اسفند.
- بارانی، ح. ۱۳۹۰. شیوه‌ها، زمین‌ها و راهکارهای ارتقاء نظام‌های مشاعی بهره‌برداری از مراتع. مقالات همایش مدیریت پایدار مراتع کشور، ۲۱ مهر ماه، گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم. ۶ ص.
- دفتر امور مراتع. ۱۳۹۳. اطلاعات کلی مراتع کشور تا پایان سال ۹۲ (طبقه‌بندی مراتع، ممیزی مراتع، طرح‌های مرتعداری، عملکرد و



- the support services and extension and participation of ranchers in rangeland restoration (Case study: Baladeh rangelands, north of Iran). *Journal of Water and Soil Conservation*, 17(4): 47-66.
- Holloway, I. and Wheeler, S., 2010. *Qualitative Research in Nursing and Healthcare*. 3rd ed. Chichester, West Sussex, U. K.; Ames, Iowa: Wiley-Blackwell.
- Kardavani, P., 2005. *Rangelands, Problems and Solutions in Iran*. Tehran University press, 504p.
- Khalighi, M. M., Khalighi, N. and Farahpoor, M., 2006. Study of ecological and social sustenance of different exploitation methods (Case study: Karaj river watershed). *Iranian journal of Range and Desert Researches*, 13(2): 82-93.
- Mahdavi, M., GhadiriMasoum, M. and Mohammadi Yeganeh, B., 2003. The role of natural geography on rural instability and immigration Zanjan Province. *Geographical Research*, 48: 205-222.
- Nuseibeh, B. and Easterbrook, S., 2000. Requirements engineering: a roadmap. In *Processing of the Conference on the Future of Software Engineering*, Tokyo, Japan, 35-46p.
- Padiab, M., Kazemi, E., Shafiei, A. and Shojaii Khozani, F., 2009. Dorema aucheri, the destruction of valuable plant at Zagros ranges (Case study: Kohgilouih and Boir Ahmad province). *Journal of Forest and Range*, 82-83: 53-59.
- Shahraki, M. R. and Barani, H., 2012. Examining factors on destruction of Golestan province rangelands. *Journal of Conservation and Utilization of Natural Resources*, 1(3): 59-78.
- Sharifinia, Z. and Mahdavi, M., 2011. The Role of Social and Rural Economic Poverty in the Environment Destruction (Case study: The surveyed pasture of Shoorood in Shibab district of Zabol township). *Journal of Social Geographical Researches*, 76(2): 67-84.
- rangeland area required for pastoralism in Semnan province. *Pajouhesh and Sazandegi*, 74: 107-113.
- Azkiya, M. and Imani, A., 2011. Theoretical analysis of land exploitation systems with an emphasis on pastures. *Rural Development*, 3(2): 1-28.
- Bazhian, Gh. R., 2007. Nomadic rangeland management in past and present in a review: changes, challenges and solutions. *Iranian Journal of Range and Desert Research*, 14(4): 524-538.
- Behmanesh, B., Barani, H., Ownegh, M., Mohammad-Esmacili, M. and Abedi-Sarvestani, A., 2013. Investigating biophysical indicators of land degradation: interpreting two points of view of rangeland ecological specialists and pastoralists. *Journal of Soil Management and Sustainable Production*, 3(1): 95-112.
- Ghaemi, M. T., 2001. Identification of degraded pastures and to determine the contribution of each of them, *Proceedings of the first national conference on livestock and range management research*, Semnan, 2: 661-672.
- Ghorbani, M., Mehrabi A. A., Servati, M. R. and Nazari Samani, A., 2010. An Investigation on the population changes on relationship with landuse changes(case study: upland watershed of Taleghan). *Journal of Range and Watershed Management*, 63(1): 75-89.
- Grimble, R. and Chan, M., 1995. Stakeholder analysis for natural resource management in developing countries: some practical guide making management more participatory and effective. *National Resource Forum*, 19(2): 113-124.
- Heidar Mehrabi, A., 2004. Investigation of effective factors that contribution to degradation of rangelands of Hamedan province. *Iranian Journal of Range and Desert Research*, 64: 68-78.
- Heydari, Q., Barani, H., Aghili, S. M., Ghorbani, J. and Mahboobi, M. R., 2011. The relationship between

## Extraction of hierarchical structure of rangeland management system in Iran

Seyedeh Zohreh Mirdeilamy<sup>1\*</sup>, Adel Sepehry<sup>2</sup>, Hossein Barany<sup>3</sup>

1\*-Corresponding author, Ph.D. Student in Rangeland Management, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Iran, Email: [Zohrehmirdeilami@gmail.com](mailto:Zohrehmirdeilami@gmail.com)

2- Professor, Gorgan University of Agricultural sciences and Natural Resources, Iran

3 Associate Professor, Gorgan University of Agricultural sciences and Natural Resources, Iran

Received:5/6/2015

Accepted:11/16/2015

### Abstract

Problems of Iranian rangelands are numerous and providing solutions for them is impossible except through comprehensive investigation. The purpose of this study was to extract the management structure of Iranian rangelands. The study tools were questionnaires and interview. This study was conducted in three stages of exploration, evaluation, and analysis and extraction of the final structure. In the exploratory stage, the position of different parts of Iran's rangeland management structure was purposefully determined with a survey of experts in education, research, and executive sectors as well as rangeland exploiters. In this stage, the initial hierarchical structure of the factors influencing management of rangelands was designed (panel section). In the evaluation stage, using the questionnaire, the structure was subjected to the judgment of the responsive communities. In the final stage, using statistical analysis of data, the final hierarchical structure was extracted and designed. The accuracy and reliability of the resulting model was evaluated using Cronbach's coefficient. In this study, the statistical software SPSS 18 and STATISTICA were used. According to the results, Iran's rangeland system consists of three levels in a hierarchical manner. Rangeland arena, education and research system, executive system and exploitation system are located in the first level. Each component at the first level was subdivided into its sub-components at lower levels. This structure more accurately categorizes the problems and makes it more understandable and more manageable. In this way, more strategic and managerial actions could be taken at each level and component.

**Keywords:** Exploratory, panel of experts, structure Cronbach alpha coefficient.